

## نهالی کوچک ولی رشدیابنده

علیت جهان بینی و صحت خط مشی سازمان توفان ، پی گیری دیمارزه بخاطر تحقق این خط مشی و وظایفی که سازمان در برابر خود گذارده نمیتوانست در صفوف عناصر انقلابی و مترقی در توده های مبارز و آگاه تاثیر نگذارد ، عوارض آنها را جلب نکند ، بهترین و مصمتمترین عناصر را به صفوف سازمان نکشاند ، سازمان ما نهالی کوچکی بود و اکنون نیز هست ، اما نهالی که آینه آن نوید بخش است ، نهالی که علی رغم دشواری ترین و نا مساعدترین شرایط رشد خود را به آرا می ادامه داده و همچنان ادامه خواهد داد .

بیبوده نیست که سازمان ما از همان زمانی که با صبر وجود نهاد ، آماج بغض و کینه نیروهای ضد انقلابی ایران قرار گرفت ، نیروهای ارتجاعی نه تنها هیچگاه از مبارزه با سازمان ما دست نکشیدند ، بلکه مبارزه خود را بیوسته شدید تر و متنوع تر کرد آیدند . سازمان جوان ما آنچنان نیروی رشد یابنده و پوی است که با رشد خود حیات آنها را تهدید میکند .

آنها را آغاز بر آن بودند که سازمان توفان آن علف مزری است که در برابر تند باد حوادث بیاری مقاومت ندارد ، خود به خود پژمرده میشود و سی خشکد . برخی از آنها در قبایل سازمان ما توطئه سکوت را برگزیدند ، وجود سازمان توفان را نادیده انگاشتند و حملات خود را نه مستقیم بلکه تحت عناوین گوناگون "چپ رو" ، "چپ نما" ، "مائوئیست ها" ، ... دنبال کردند . در این شیوه موثر نرفتاد ، سازمان ما علی رغم مشکلات و موانع ، در سایه افکار و خط مشی صحیح خود ، در سایه برتر نظری و علمی صحیح به مسائل سیاسی و سازمانی هم چنان پیش رفت و نفوذ خود را در صفوف عناصر انقلابی و مترقی توسعه بخشید . این "علف هرز" که میبایستی در مقابله با نا ملائمت پیوسته نهالی رشد یابنده از آب درآمد .

نفوذ روز افزون سازمان توفان دشمنان را بر آن داشت که توطئه سکوت را رها کنند و بمبارزه علنی با سازمان توفان دست بزنند . آنها به جهان بینی سازمان و خط مشی مبتنی بر آن حمله بردند . جهان بینی سازمان را انحراف از مارکسیسم لنینیسم ، انحراف از اندیشه مائوتسه دون جلوه دادند . حمله علیه سازمان توفان در سطح ایدئولوژی از جانب روز نویسندگان های حزب توده ایران و گروه های دیگری که مانند قارچ از زمین میرویند ، ناشی از بروری خود میگردند ، ترهائی بهم میافند و گاهی نیز از صحنه خارج میشوند همچنان ادامه دارد . ساده لوحی است اگر تصور کرد که سازمان امنیت ایران در این مبارزه سببی و دستی ندارد . نشریه ای تحت نام "پرچم سرخ" که سنگ انداز مائوتسه دون را به سینه میکوبد ، آخرین و مقتض ترین آنها است . این نشریه طی مقاله ای طولانی با جعل مطالبی بنام سازمان توفان و با کلمات و لحنی دشمن آمیز سازمان ما را مورد حمله قرار داده است . جالب تر آنکه در همین مقاله در کسار سازمان توفان گذاراسیون دانشجویان ایرانی نیز به سبک سازمان امنیت مورد حمله واقع شده است . آنها تقارن حمله به سازمان توفان و گذاراسیون دانشجویان ایرانی بخودی خود در باره الهام دهندگان و ناشرین این نشریه میبایست ؟

هدف این حملات روشن است : بی اعتبار ساختن سازمان توفان ، مخدوش جلوه دادن جهان بینی و خط مشی آن با حاد ابهام و سردرگمی فکری و سازمانی در بینندگان راه طبقه کارگر ایران . اما مبارزه دشمنان در سطح ایدئولوژی به نتیجه نینجامید . حملات مخالفان در برابر ایدئولوژی سازمان و حقایق و صحت خط مشی آن گرفتار شکست و ناگهی گردید . سازمان ما در راه رشد خود گامهای ناز و پزیرنده برداشت .

اکنون کسانی پیدا شده اند که نغمه بقیه در ص ۲

## بار دیگر

# درباره نیروهای انقلاب ایران

را بهیچ وجه بعنوان تاشکک انتخابی مبارزه تلقی نکرده آن را تعلق بآینده نامعلوم نمی گیم" و چون روشی را بر میگزینیم که "با توجه به شرایط اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی" جامعه ایران "عملی باشد" - بر اساس این دو اصل مقدماتی ، مبارزه مسلحانه ما روی شهرها تاکید بی خاص میکند .

به بینیم این "شرایط اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی" جامعه ایران که بیکه مبارزه مسلحانه را بر روی شهر ها ایجاد میکند چیست . یکی از شرایط مذکور - بعقیده نویسندگان بیانیه - اینست که "روستاهای کشور ما و دهقانان فاقد زمینه تاریخی و سوابق جنبش های قابل توجه دهقانی هستند" .

آری ، اگر وسعت و عمق نهضت دهقانی چین در سال های ۳۰ و ۴۰ بر نظر گرفته شود نهضت عاید دهقانی ایران از چشم بی افتد ولی این حقیقت را نمیتوان نادیده گرفت که نهضت عظیم و پر شور توده ای روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه که رنگ مذهبی داشت یکی از نخستین نهضت های موزکل تیک آسیا در قرن نوزدهم بود و خمیر مایه آن راد دهقانان تشکیل میدادند . نهضت مذکور در واقع رستاخیزی بر ضد آئین فئودالی بود . دهقانان ایران بویژه در آذربایجان و گیلان در انقلاب مشروطه شرکت داشتند . نهضت نام آور جنگ ارب هفتاد نان تشکیل میشد . در سال های ۲۰ اوج نهضت دهقانی در بسیاری از نقاط ایران برخاست . نهضت آذربایجان در سال ۳۴-۳۵ توره دهقانان تکیه داشت ، آن بیست هزار نفری که در آذربایجان با اسامی محمد رضا شاهی مروشدند اگر از دهقانان بودند . کجا جائز است که انقلابیون ایران کم کاری و عجز خود را در زیر عنوان "فقدان زمینه تاریخی و سوابق جنبش های قابل توجه دهقانی" بپوشانند ؟

در بیانیه گفته میشود : "قرم های ارض سال های اخیر ، گرچه پاسخگوی مسائل ارضی کشور نبوده و به فقر و محرومیت دهقانان حاشه ندره است لیکن فئودالیسم را از روستاها حذف کرده و عوامل تحریک مستقیم توده های دهقانی را بر سر ای یک جنبش دهقانی از میان برده است" .

در اینجا دیگر صحبت از "زمینه تاریخی" بقیه در ص ۲ پرتقال یا بود که پالتو بدهند . ولی اینک فرمان یکی باطل شده است و دیگر تخم مرغ پرتقال و دگمه های پالتو به اسکار رنگ و روخته شما اعتنایی ندارند ، مگر آنکه آن را با دواستگار پنج ریالی دیگر تقویت کنید تا شاید سه نفری بتوانند نواز کالاهای بالاشین را بکنند . مارکسیسم بدرستی بی آموزش که قوانین اقتصادی نیرومند تر از فرامین پادشاهی است . بی اعتبار شدن ریال در واقع بمعنای بی اعتبار شدن اقتصاد کشور است ، بمعنای بی اعتبار شدن شخص محمد رضا شاه است که نتواند نامیاریکس خلاصت پول رایج ایران میبانشد .

در کشوری که وارداتش از هفت برابر صادراتش تجاوز میکند بدیهی است که ترقی قیمت کالا های ممالک امپریالیستی تاثیر فوری و عمیق در تنزل قدرت خرید پول داخلی خواهد داشت . بانک مرکزی ایران در گزارش سالانه خود و گزارش سال ۱۳۲۹ از شدت افزایش قیمت کالا های بقیه در ص ۲

روزنامه " ۱۹ بهمن " در شماره نخستین خود " بیانیه" جبهه آزادی بخش ملی ایران" را انتشار داده است . از آنجا که سازمان منسوب به "جبهه آزادی بخش ملی ایران" به درگیری های قهرمانانه با نیروهای مسلح رژیم کودتا دست زده و بسیاری از آنها فداکارانه شهید شده اند بیانیه مذکور سخن نیست مورد توجه انقلابیون ایران قرار نگیرد . بیانیه مذکور حاوی مسائل عیدیه ای است که بحث در باره همه آنها در صفحات توفان نمیکند و ما ناچار به یکی دو موضوع اکتفا میکنیم :

در بیانیه گفته میشود که "ج . ا . م . ا" منظور ایجاد یک جریان سیاسی مستند که بتواند رسالت رهبری جنبش را بر عهده گیرد بوجود آمده و میباید خلا رهبری را که امروز برای نیروهای راستین انقلابی کاملا محسوس است پر کند . باین ترتیب ج . ا . م . ا . از اتحاد و تشکک سازمان ها و گروه های انقلابی داخل و خارج بوجود میاید . ج . ا . م . ا مرکز ارتباط سازمان ها و گروه های می شود که در داخل کشور بیکدیگر راه ندرند و ارتباط خود را از طریق مراکز ج . ا . م . ا تامین می کنند .

از این عبارت معلوم نیست که آیا ج . ا . م . ا هم اکنون "بوجود آمده" و یا در آینه "بوجود می آید" ، آیا این "مرکز ارتباط سازمان ها و گروه ها" از نمایندگان مختار سازمان ها و گروه ها تشکیل میشود و یا اینکه تشکیلاتی بر بالای سر آنهاست . اگر حالت دوم منظور است چگونه میتوان تصور کرد که سازمان ها و گروه های مختلف این مرکز ارتباطی را بپذیرند و در واقع بزهدی او در آیند . و اگر حالت اول منظور است در آن صورت باید پرسید که آنچه اکنون - قبل از اتحاد و تشکک سازمان ها و گروه های انقلابی بوجود آمده - چه محتوای دار و نمانده ؟ کدام نیروی اجتماعی است .

اینجا از نکات آشفته بیانیه است . اما از این مهم تر ، بر خوردی است که نویسندگان بیانیه با طبقات مختلف جامعه ایران و چگونگی انقلاب قهر آمیز دارند . در بیانیه گفته میشود که ما چون "مبارزه مسلحانه

## سقوط ریال

عین چند ماه پیش که تنزل دلار مطرح بود مجله تهران انترویست ( ارگان اعلام کننده انحصارهای امپریالیستی و سرمایه های وابسته به آنها ) لای زبانه در وصف ثبات پول ایران نوشت : "پهلوانی بنام ریال" .

و اینک خود دولت ایران مجبور است این پهلوان را به علت سستی و بی رمقی و شکست خوردگی از عرصه خارج کند ، لایحیای تهیه شده است که از این بیعت واحد پول ایران تویمان باشد نه ریال .

برخی از مقامات دولتی میخواهند چنین جلوه دهند که گویا مطلب فقط بر تغییر نام است و همان محافل که در موقع رایج شدن ریال ( در زمان رضاشاه ) درباره صحت اصل و نسب خانصا ایرانی گفته ریال را دشمن داده بودند اینک "فتوی" لغوی جدیدی صادر کرده و گفته اند که "اصولا کلمه ریال از نظر لغت ریشه مغولی دارد" و باید " بجای آن یک لغت دیگری که فارسی باشد قرار گیرد" . ولی همه میدانند که لغت "تومان" نیز صریحا مغولی است و دلیل اینکه دولت ایران به تغییر واحد پول دست میزند در جای دیگر است ، در آنجا است که ریال بعنوان واحد پول ایران بقدری ارزش خود را از دست داده که نمیتوان با آن چیزی خرید . چندی پیش یکی از جزائز نوشته بود که ده شاهی و یک ریال راحتی گدایان هم قبول نمیکند چونکه ما آن نمیتواند خریدی انجام دهند . اگر بخواهیم مطلب را با مثال روشن کرد انیم میتوان گفت که هر اسکناس در واقع مدله فرمان دولت است که در مقابل آن باید مبلغ معینی کالا به دارنده داده شود . مثلا ده سال پیش محمد رضا شاه با اسکناس پنج ریالی خود میزان اقتصاد فرمان میداد که به دارنده این اسکناس یک تخم مرغ یا یک

## تاریخ

# حزب گمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی

این اثر که در روزگار استالین بزرگ و بانظارت وی نگاشته یافته ، سند عهد آئین مارکسیسم - لنینیسم و ترانزانه جنبش کمونیستی تاپیش از جنگ و دوجبهانی است از جانب سازمان توفان تجدید طبع شده است .

از آنجا که چاپ این کتاب در ۶۰۰ صفحه و مخارج ارسال آن بسیار گران تمام شده و مینویز از کتب خواستاران حوامشندیم که بمنظور کمک به بنیادهای سازمان ما همراه با درخواست این کتابهای آئین سازمان را دارند . بها : معادل ۱۸۰ ریال

# یغماگران در خلیج فارس

خلیج فارس فقط حوضه نفت ثمرین نیست بلکه منبع انواع تروتی است که بدست امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها چپاول میشود . و دولت ایران که لاف از نیروی دریایی خود میزند و به فتنه انگیزی بر علیه نهضت های عربی سواحل خلیج مشغول است جز پاسداری از منافع امپریالیست ها و تامین غارتگری آنها در خلیج برای خود نمی شناسد . اینک شرحی که روزنامه " پیک خجسته " چاپ شیراز در ۸ اسفند ماه ۱۳۴۹ نوشته گشته ای از این واقعات را نشان میدهد :

" برای اینکه اهمیت اقتصادی صیادی میگو و ماهی در خلیج فارس نشان داده شود باید بگوئیم که هرکشتی صیادی در ۲ تا ۴۸ ساعت بین ۳ تا پنج تن میگو صید میکند و تن میسگری سرکده پنج زده درشت یا با سایز های مختلف دیگر از ۲۵ تا ۳۵ هزار تومان تحویل خلیج فارس منهای کرایه کشتی و حقیقیه بیمه معامله میشود .

کپانی صیادی راس کورپ انگلیسی ، گلف فشریز کورین سوئانی ، و دیگر کپانیهای صیادی ژاپنی ، روسی ، پاکستانی عراقی ، عربستان سعودی ، قطر و بحرین تعداد خیلی زیادی موتور لنج و کشتی صید میگو ماهی دارند که شبانه روز با جملوه شنا بزرگی خاصی مشغول صید ماهی و میگو میشوند . چندین کشتی بزرگ بنام کشتی مادر به بسته بندی و جعبه بندی و بیخ زدن ماهی و میگو در دریا اشتغال دارند . غالب کشتی ها برای خود مرز و حدود و تقویری نمی شناسند ، همه جا به صید و قضا صیادی می پردازند . . .

منابع طبیعی دریایی خلیج فارس و دریای مکران ثروت بکر لایزال عظیمی است که بعد از درآمد نفت در آمد جانیندات هنکنی دارد ولی ما متاسفانه به بدبختانه تا امروز نتوانسته ایم یا نخواستیم از این منبع طبیعی پر ثروت پر خیر و برکت استفاده و بهره برداری کنیم . "

بسیار دیگر در ساره . . . بقیه از ص ۱ . نیست بلکه سخن بر سر شرایط موجود است که گویا دیگر ایجاب کنند جنبش دهقانی نیست . نویسندگان بیانیه در واقع با چنین قضاوتی ، ضرورت انقلاب دهقانی و دموکراتیک را در ایران نفی کرده اند . انقلابی که آنها میخواهند باید بدون شرکت دهقانان و شاید هم طی رفم آنان صورت گیرد! بدیهی است کسبه این امر از ارزیابی نادرست رفم ارضی ضد دهقانی نواستعمال شاه و از نادیدن تضاد های تازه و فزاینده روستای ایران ناشی میشود . اگر محمدرضا شاه توانسته بود " عامل تحریک مستقیم توده های دهقان را برای یک جنبش دهقانی " از میان بردارد دیگر اینهمه زاندارم ، مأمور سازمان امنیت ، مدبرخانه ، انصاف ، سپاهی دانش ، سپاهی ترویج ، سپاهی دین و غیره و غیره بر سر روستا فانیان نمی فرستاد .

نویسندگان بیانیه تا آنجا جلورفته اند که میگویند : " بی تفاوتی دهقانان که ناشی از عدم آگاهی آنهاست برای چریک خاچ از شهر نقش حقی دارد " ، در شرایط کنونی " انتقال کانون مبارزه به روستاها میسر نیست و هر نوع خطا در این زمینه فاجعه آمیز است " . ولی فاجعه ای که روی داد و اینهمه جوانان پیش رو انقلابی در برخورد با نیروهای مسلح و یا دریای چوبه های امداد بر خاک افتادند از همین بی اعتقادی به توده های دهقانی و از جدائی از آنان سرچشمه میگرفت . البته در شرایط یک کنونی ، راه باطن روستای ایران و تماس با توده های دهقان امری بسیار دشوار و مستلزم کار طولانی است . اما در هیچ حالی از این یگانه راه انقلاب ایران نمیتوان غافل بود .

نویسندگان بیانیه فعالیت در شهر را ترجیح میدهند زیرا که " توده های مبارز یعنی پیشقراولان مبارزه توده های می توانند بدون زحمت مبارزه عینی بیوندند " . ولی گذشته از اینکه مبارزه در شهرها آنچنان که نویسندگان بیانیه می پندارند - و تجریم خود آنها نیز ثابت کرد - " بدون زحمت " نیست - لزوم فعالیت اجتماعی را با اندازه زحمت آن نباید ارزیابی کرد بلکه باید نیروهای انقلابی را با مطالعه شرایط عینی زندگانی آنها شناخت و آنگاه به تجهیز آنها همت گماشت . در مورد دهقانان نیز چنین است .

در بیانیه گفته میشود : " ما نقش قشرهای خرده بورژوازی ایران را در جنبش ملی ضد امپریالیستی و ترقی خواهانه بعنوان نقش تاریخی که ناشی از نحوه تکامل جامعه و ترکیب اجتماعی آن است می پذیریم و تأکید میکنیم که در شرایط حاضر ، جنبش روستای میانه و پایینی خرده بورژوازی ، روستای زحمتکشان شهر و کارگران تأکید میکند و روشنفکران مجتهد به ایندولوی انقلابی نقش اساسی در رهبری و تحریک جنبش دارند " .

بگذریم از ناروینی هائی که در این عبارت وجود دارد و بپرسیم که آن کدام " ایدئولوژی انقلابی است که " نقش اساسی در رهبری و تحریک " را به روشنفکران میدهد ؟ هر چه هست مسلماً مارکسیسم - لنینیسم نیست . چنانکه معلوم است اکثریت روشنفکران از خرده بورژوازی اند و خرده بورژوازی طبقه بینابینی است که نمیتواند از خود ایدئولوژی مستقل داشته باشد ، و اقدام اجتماعی او یا تحت رهبری بورژوازی صورت گیرد یا تحت رهبری طبقه کارگر . در صورت اول به تحکیم سرمایه داری کمک خواهد کرد و در صورت دوم به استقرار سوسیالیسم . ما بارها در صفحات توفان توضیح داده ایم و با تکیه بر " نحوه " تکامل جامعه و ترکیب طبقاتی جامعه بنا کرده ایم که یگانه طبقه ای که میتواند و باید انقلاب دموکراتیک نوین ایران را رهبری کند طبقه کارگر است و انقلاب بدون رهبری او محکوم به شکست است - و در اینجا به دلائل خود باز نمی گردیم .

نویسندگان بیانیه با اشاره به هواداران مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه " ماؤتسه دون نوشته اند : " جناح دیگری که نقش مخالف ( یا روبرو نیستی های حزب توده ایران - ستوفان ) را بازی میکند با قطب گرانی مشابه مظاهر تضاد بدون توجه به شرایط ایران الگوهای را توصیه میکند که باز تحقق بخشیدن مبارزه انقلابی مسلحانه را در کشور ما غیر ممکن می ساخت " .

البته هواداران مارکسیسم لنینیسم و اندیشه " ماؤتسه دون " هرگونه الگوسازی را مطلقاً می شمارند ولی به قوانین عام مارکسیسم لنینیسم معتقد اند و راهی را که برای انقلاب ایران

نسهالی کوچک . . . بقیه از ص ۱ . تازه ای آغاز کرده اند آنها دیگر از " اپروتونیسم " ، " شورویزیونیسم " ، " چپ نوری " توفان سخنی بمیان نمی آورند ، برعکس ایدئولوژی و خط مشی توفان مورد قبول آنهاست ، افراد سازمان نیز همه صدیق و صمیمی و فد اکارند ، مشکل گویا بر سر اینست که رهبری سازمان نصی خواهد و نمیتواند این خط مشی را به تحقق در آورد و شکست انگیز آنکه امکان تحقق آنرا از دیگران هم سلب میکند . نتیجه ای که از این صفوی گیری میگیرند اینست که برای انقلاب ایران باید سازمان توفان را در هم ریخت و آنرا از سر راه برداشت . نتیجتاً گیری هجیبی است ، عجیب تر است اگر توجه کنیم که پلینسی سیاسی پارهای از کشورهای اروپائی بنا به تقاضای دولت ایران ، برای کشف و بی ضرر ساختن سازمان توفان به بی گردی جدی بدست زده است . به سخن کوتاه آنجا که مبارزه ایدئولوژیک دیگرش بخش نیست ، باید مبارزه را به سطح سازمانی انتقال داد .

قراردادن " رهبری غیر انقلابی و غیر فعال " در برابر " اعضای صدیق و انقلابی " سازمان چیز تازه ای نیست و همان نفعهای است که " سازمان انقلابی " در مورد گذشته حزب خود ایران وحشی سازمان توفان سر داده است ، معلوم نیست چگونه توده حزبی انقلابی سالیهای متعددی خود را در اختیار رهبری اپروتونیست و غیر انقلابی میگذارد ، رهنمود های رهبری را بی پذیرد و به تحقق در می آورد ! البته سخن از منطق بیبوهه است . هدف آنست که توده سازمانی را از رهبری جدا کنند و در برابر رهبری قرار دهند . هدف آنست که با جعل یک صفت دروغ و اراجیف که مقداری از آنها در مبارزه با سازمان توفان بی سابقه نیست در درون سازمان ما نقای بیکنند و وحدت آنرا برهم زنند . اما این تلاش نیز محکوم به شکست و ناکامی است .

در درون سازمان ما آنچه افراد را بیگ بگر پیوند میدهد ایمان به ایدئولوژی طبقه کارگر و صحت خط مشی سازمان است که خود در تنظیم آن شرکت میجویند ، و همه به اتفاق برای انجام وظائفی که سازمان در برابر خود گذاشته و یا میگردانند از هیچگونه تلاشی در پیش برد مقاصد سازمان و رفع مشکلات آن دریغ نمیورزند ، وحدت و یکپارچگی سازمان در تمام زمینه ها ، وفاداری به آرمانهای خلق های ایران که با هیچ افسوس و تیرنگی نمیتوان آنرا خدشه در کرد و از پیشرفت مدام سازمان ما است . رهبران سازمان از دیگر اعضای سازمان بریده نیستند و مانند آنان به فعالیت مشغولند . با توجه به این امر معلوم است تا چه اندازه جد اکردن رهبری از اعضای سازمان بوج و بی معنی است

باز هم بیاد بیاوریم که سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران یگانه سازمانی است که طی بیش از نیمی قرن همواره استوار و پابرجا مانده است . مخالفان بارها بر سر آن تلخندند ، دشمنان خلق بارها به آن حمله برده و آنرا در هم ریختند ولی سازمان سیاسی طبقه کارگر هر بار مانند سمندر که پراز سوختن خاکستر خود تجدید حیات میکند بیخاسته و نیرومند تر از پیش به نبرد طبقاتی ادامه داده است . این تصور که سازمان توفان را نیز مانند حزب توده ایران میشود بی اعتبار کرد تصور باطلی است حزب توده ایران تا زمانی که خصلت انقلابی خود را همچنان در ابرود طی رفم اشتباهات سنگین در نزد توده های مردم از اعتبار فراوانی برخوردار بود . بی اعتباری حزب توده ایران بطول عمده نتیجه غلطیدن در سراسیب سازش طبقاتی و ضد انقلاب است و نه محصول مبارزه دشمنان یا مخالفان . سازمان توفان سازمان طبقه کارگر ایران و ادامه دهنده سنت های انقلابی پیشینیان خویش است و سازمان سیاسی طبقه کارگر را با هیچ نیرویی ، تاجه رسد با دروغ و اتهام ، نمیتوان از اعتبار انداخت یا برای همیشه نابود کرد . ما یقین داریم که حملات تازه مخالفان و دشمنان نیز در برابر ایمان و پایداری و بیداری سازمان ما در هم خواهد شکست .

سقوط رسال . . . بقیه از ص ۱ . ممالک امپریالیستی و کاهش قیمت کالاها صادراتی ایران اظهار نگرانی کرد و اعلام داشت که این امر " موجب کاهش قدرت خرید خارجی ایرا شده است " . اما " کاهش قدرت خرید خارجی ایران " معنای تضعیف ربال در داخل کشور است ، و این امری است که همه ساله تکرار میشود . بدیهی است که زبان افزایش قیمت کالا های خارجی در درجه اول نتیجه توده ؛ زحمتکش مملکت ماست و سرمایه داران کار دیگری جز انتقال گرانی به داخل کشور انجام نمیدهند . بهای محصولات داخلی کشور نیز در اثر سوجوئی و افزایش تولید کنندگان و یا واسطه ها در افزایش مدام است . و این امر نیز بنوعی خود موجب کاهش قدرت خرید ربال میگردد ، چندی پیش که ارزش دلار تنزل یافت بدیهی بود که چون دلار مبنای محاسبات دولت ایران است ، هرگاه ارزش ربال نسبت دلار ارتقا نیابد این امر معنای تنزل ارزش ربال نیز خواهد بود . برخی از اقتصاد دانان ایران هم این نکته را متذکر شدند و حتی یکی از آنان نظر داد که بهترین عیدی برای ربال به بنیوی ایران در جشن نوروز عبارت از بالا بردن ارزش ربال در برابر دلار است ، زیرا که این اقدام تا حدی موجب ارزانی برخی از نیازمندیهای مردم خواهد شد . ولی دست و پای ربال در زنجیر امپریالیست هاست و بدون اراده آنها نمیتواند چنینی . چنانکه چنینی و باز یک بار دیگر تضعیف شد .

اینک کار بجائی رسیده که دولت ایران چاره دیگری جز انتخاب واحد پولی جدید ندارد . اما آمدن تومان بجای ربال فقط کار محاسبات را آسان میکند و هیچ تاثیری جز منفی در زندگی مردم نخواهد داشت . اگر قدرت پول در برابر کالاها بالا میرفت بدیهی است که جنبه مثبت داشت . ولی چون قدرت پول ایران در اثر سیاست ضد خلقی دولت روز بروز در کاهش است تصمیم جدیدی بر تغییر واحد پول ایران از ربال به ریالی ( یعنی به یک تومان ) طبیعتاً موجب افزایش قیمت کالاها و کاهش قدرت خرید زحمتکشان خواهد شد . نظیر این کار را خروشچف در سال ۱۹۰۵ در شوروی انجام داد و جز گرانی زندگی مردم نتیجه دیگری بیازنیارود .

توصیه میکنند در انطباق قوانین عام مذکور با شرایط خاص ایران است . اعتقاد به قوانین عام مارکسیسم لنینیسم را بر " قطب گرایی " تعبیر کردن و مورد سرزنش قراردادن بمعنای نفی تئوری علمی انقلابی است .

اما آنچه نویسندگان بیانیه در جلوی خواننده میگرداند در واقع الگوی ناقصی است از جریاناتی که در برخی از کشورهای امریکای لاتین تحت نام " مبارزه مسلحانه شهری " گذشته و میگذرد و ناکامی آن را تئوری و عمل ثابت کرده است .

تسکریه در پخته ... بقیه از ص ... آنها تا حدودی به وضع هیئت حاکمه ایران در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۴۱ شبیه است که با اشاره امپریالیسم آمریکا با تریس و لریس بسیار در راه اصلاحات نو استعماری و از آن جمله در راه "اصلاحات ترضی" قدم میگذاشت.

اینکه از یک سو غلبان نهضت انقلابی در ترکیه و از سوی دیگر تضاد درونی هیئت حاکمه ترکیه و تضاد میان امپریالیسم های مختلف باعث تزلزل شدید در ارکان رژیم ترکیه گردید است. احزاب دولتی روز بروز بیشتر از اعتباری افتاد، حزب پرور تونیمی کارگر ترکیه که عهده دار "راه مسالمت آمیز پارلمانی" مورد تشویق و تقویت روزیونیست ها بود افشا شده است، روزیونیست ها که در سال های اخیر نقش آتش نشان انقلاب و دلال تفوق شیوری در ترکیه را بر عهده داشته و در اندر روز بروز بیشتر منفرد میشوند، روشن فکران انقلابی ترکیه که بمبارزه مسلحانه جدا از توده ها متوسل شده اند بجزیره خویش به بی حاصلی این شیو به میبیزند، مارکسیست ها - لنینیست ها که در شرایط بسیار سخت ستاره راهنمای مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون را بر سر راه حلق نگه داشته اند روز بروز بجزیره می نه روزند و بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر ترکیه گام مینهند. ترکیه در انتظار انقلاب جدید نهضت انقلابی است. ما به خلق برادر ترکیه که در شرایط تورفاشیستی به مبارزهای دلیرانه سرگرم است درود میفرستیم و آرزو مندیم که به مجاهدات مارکسیست ها - لنینیست های ترکیه هر چه زود تر به ایجاد حزب طبقه کارگر بینجامد تا خلق ترکیه را در انقلاب قهرآمیز بظهور سرنگون ساختن حکومت ضد ملی و راندن امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم از ترکیه و استقرار ولت دموکراتیک توده های رهنمون شود.

پیروزیهای جدید ... بقیه از ص ... پیروزمندانه ارتش نجات بخش ویتنام جنوب با نیروی روزافزون ادامه یافت و ارتش ویتنامی را در زیر ضربات خود گرفت. هم اکنون ارتش ویتنامی در بسیاری از جبهه ها رو به پیشرفت و از هم گسستگی است. سربازان گروه میگریزند و به ارتش نجات بخشی پیوندند مطبوعات هانوی در ارزیابی وضع نظامی بدرستی نوشته اند: "ابتکار در دست ماست زیرا که ما سپاه رزمندگی نیرومند و درخشان و شری پایانی داریم که از ملت سرچشمه میگیرد ... محاسبات سختی امریکاییها قدرت همه جانبه جنگ انقلابی را بشمار نمی آید". حتی روزنامه لوموند می نویسد: "چنان مینماید که دوران ویتنامی کردن "پایان میرسد".

یکی از اخبار سرعش جبهه ویتنام جنوبی تشکیل کینه تودهای موقت انقلابی در شهر کوانگ تری پلر واقع آن شهر بدست ارتش نجات بخش است. این پدیده نشانه مرحله جدیدی در پیروزیهای ارتش نجات بخش و تحکیم قدرت توده ای در ویتنام جنوبی است.

در جبهه های دیگر جنگ هند و چین و در لائوس کامیو نیز ارتش های ملی و انقلابی به کوبیدن مواضع دشمن مشغول اند امپریالیسم تجاوزکار آمریکا در هند و چین محکوم به شکست قطعی است. خلق های سراسر گیتی از دل و جان پشتیبان خلق های هند و چین اند. یگانه راه حل مسئله ویتنام پذیرفتن و اجرای مسوول پیشنهادی دولت انقلابی موقت ویتنام جنوبی است:

- خاتمه دادن به جنگ تجاوزکارانه آمریکا.
- خروج کامل ارتش آمریکا از ویتنام جنوبی.
- استعفا فوری ننگوئن وان تیسو.
- برداشتن دستگاه فشار و زورگویی دولت پوشالی سالیگن.
- تشکیل دولت انقلابی وسیع ملی بظنور سازمان دادن انتخابات عمومی در ویتنام جنوبی که واقعا آزاد و دموکراتیک و عادلانه باشد.

بدون تردید جنگ انقلابی خلق ویتنام این مطالبات محفانه را بر کرسی خواهد نشاند. خلق قهرمان ویتنام پیروز است! خلق های قهرمان ویتنام و لائوس کامیو پیروزند! شکست و ننگ در انتظار امپریالیسم آمریکا و جاساکران اوست!

اصول و قوانین جنگ ... بقیه از ص ... میتوان یادست گروههای چریکی بدون برنامه واحد، سیاست واحد و رهبری واحد، ستاد واحد ارتش انقلابی آغاز کرد و ادامه یابد.

اما گروههای چریکی بدون شرکت توده ها کاری از پیش نخواهند برد. این نیز قوی است که جنگی برآیند بنا بر این چگونگی و از چه راهی توده ها با میخیزند و برای شرکت در مبارزه مسلح به این گروه ها می پیوندند؟ در این زمینه نظریات گوناگون را برآزمیگرند، تنها نظر روشنی که بر از می شود اینست که گروه های چریکی که از روشنفکران تشکیل میشوند نقش "چاشنی دینامیت انقلاب" را بازی میکنند. کافی است آنها بطور مؤثر با دستگاه حاکمه درگیر شوند برای آنکه توده ها به جنبش درآیند و به جنگ انقلابی بپردازند. بدیهی است اگر فقط از راه درگیری با دستگاه حاکمه بتوان توده ها را بحرکت درآورد دیگر به حزب طبقه کارگر نه برای بسیج توده ها و نه برای رهبری جنگ نیازی نیست. هواداری از احیای حزب طبقه کارگر و تلاش بخاطر احیای حزب در چهارچوب "تئوری بقاء" جای داده میشود! عجب آنکه این گروههای چریکی که جا دارد جانبازی و قهرمانی آنها سر مشق همه عناصر و نیروهای انقلابی قرار گیرد در عمل "تئوری بقاء" را راهنمای خویش برگزیده اند. تعداد قهرمانانی که ظرف بیش از یکسال، بدون ایراد ضربه جدی بر دشمن، در خاک و خون غلتیدند و در قتلگرا آوری است. ما به پیچوجوه عقیده نداریم که بتوان مبارزه آنهم مبارزه مسلح را بدون قربانی سرو سامان داد و به پیش برد ولی همواره باید در نظر داشت که برای بیشترین نتیجه، کمترین قربانی را داد. آیا عملیات مسلح قهرمانان از جان گذشته میهن ما متناسب خون هایی که ریخته شده نتیجه داده است؟

اگر اعتقاد به پیروزی جنگ توده های بدون وجود حزب طبقه کارگر از انقلاب کوبا نشأت میگیرد، انقلابی که بعلمت تحلیل نامرست از آن موجب سردرگمی فراوان گردید، ولی چریکی قهرمان ما نه الگوی انقلاب فیدل کاسترو که بهر تقدیر کار خود را در میان دهقانان آغاز کرد، بلکه الگوی پارتیزانیسم شهری کشورهای امریکای لاتین را اختیار کرده اند. یک نگاه ولو سطحی به جنگ انقلابی چین، آلبانی، ویت نام، کره و حتی الجزایر، مقایسه پیروزیهای درخشان انقلاب در این کشورها با آنچه که گروه های پارتیزانی در کشورهای امریکای لاتین بدست آورده اند این حقیقت را مسلم میدارد که وجود حزب سیاسی بطور اعم و حزب طبقه کارگر بطور اخص برای پیروزی ها و انقلاب ضروری است، چرا چریکی قهرمان ما فی النثل بر اه ویت نام نیرومند شوالی است که برای ما مطرح است. توضیحات آنها در این زمینه که این راه گوید در انطباق با شرایط ایران نیست، به پیچوجوه قانع کننده نیست.

جنگ ادامه سیاست است با وسائل دیگر، جنگ توده های انقلابی ادامه مبارزه سیاسی است از راه اعمال قهر انقلابی در برابر اعمال قهر دستگاه حاکمه از راه گذاشتن ارتش انقلاب در برابر ارتش ضد انقلاب. جنگ توده های پیش از آنکه امری نظامی باشد، سیاسی است، جنگ توده ای عالیترین شکل مبارزه سیاسی است و لذا باید بدان خصلت سیاسی داد. تنها در چنین صورتی است که میتوان توده های زحمتگر را ضمن مبارزه صنفی و سیاسی بخاطر احقاق حقوق خویش، ضمن کار سیاسی در میان آنان، به لزوم مبارزه مسلح معتقد گردانید و در ارتش انقلابی گرد آورد، تنها در چنین صورتی است که توده ها همه صائب و سخی ها را بخود هموار خواهند نمود، بر تمام مشکلات و موانع غالب خواهند آمد. اندیشه که توده ها را میتوان با درگیر شدن در دستگاه حاکمه بمیدان نبرد مسلح کشانید پایه مینی و منطقی ندارد. به ارتش انقلابی نیز باید خصلت سیاسی داد. "بدن کیسرها سیاسی، بدون ارگانهای سیاسی در ارتش امکان نداشت ارتش را از لحاظ سیاسی و روحیه پرورش داد، امکان نداشت ارتش آماده باشد در هر موقع زندگی خود را بخاطر خلق فد کند. ارتش ما بدون کیسرها سیاسی و ارگانهای سیاسی از ارتش بهرروائی چندان متمایز نمیکردید. عزم و اراده، از خود گذشتگی عشق به میهن، احساس انجام وظیفه در کار و در نبرد ساینها خصالی بود که پارتیزانهای ما در سایه کار حزب در ارتش از آن سوار بودند." کار سیاسی، باین دامنه و اهمیت فقط

## بندر عباس آباد است

"فقرتیره روزی و ثروت و غنی در این شهر (بندر عباس) تناقضی ایجاد کرده و دل های حساس را بدر می آورد. تعداد فراوان متکدیان، مجزیه، بیگاریان هنوز در گوشه و کنار شهر از همه بیشتر چشمگیر است ... ماهی، خرما و یک وسنده نان، خوراک ایدتال اهالی است و دیگر همین، گوشت چند ان خریدار و مصرف ندارد. لبنیات کمتر پیدا میشود. کارهای حمل و نقل از نبودن علوفه ماهی میخورند (از همان نوع ماهی که بسیاری کوند باغات پسته مصرف میشوند) و به همین جهت شیرگی میند" خواننده نیما ۳ اسفند ۱۳۵۰

از یک حزب سیاسی ساخته است آنچه آنچنان جزئی که شایستگی رهبری توده های زحمتکش را داشته باشد این حقیقت است مسلم را بهیچ عنوان نمیتوان نادیده گرفت. رفیق محمد شیخو در سراسر اثر آموخته خود نقش حزب را در بسیج و تشکل خلق آلبانی، در رهبری جنگ توده های پیروزی آن سر سپاهیان قانیست هیتلر و موسولینی بوضوح نشان میدهد. مبارزه مسلح تنها به تحصیل اسلحه و شناخت آن مهارت در نگار بردن آن و دستبرد های مسلحانه محدود نمیشود. مبارزه مسلح باید در جهت جنگ انقلابی تکامل یابد. رهبری جنگ انقلابی مستلزم شناخت اصول و قوانین عام چنین جنگی است. البته جنگ انقلابی در ایران دارای ویژگیهای خاص است که نباید از نظر فرگشت اردولی نخست باید قوانین جنگ و جنگ انقلابی را آمیخت برای آنکه در انطباق با خصوصیات ایران بکار برسد. در تاریخ گذشته جنگهای انقلابی مردمان ساده ای پیدا شده اند که بدون فرا گرفتن فنون نظامی، بانوغ سرشار خود توانستند اند سرداران نظامی بزرگی از آب درآیند اما این واقعیت آموزش فن نظامی را منقذ نمیسازد. پیدایش چنین نابغه های نظامی در همه جا و همه حال الزام آور نیست، چنین نوعی خصلت همگانه ندارد و لذا آمیختن قوانین عام جنگ و ویژه جنگ انقلابی ضروری است. رفیق محمد شیخو در اثر خود ماهیت جنگ پارتیزانی و تفاوت آنرا با جنگ منظم، قوانین و اصول آنرا می آموزد "اصولی که بکلیت آنها میتوان جنگ را سازمان داد، از پیش برد و پایان خمشید، چگونگی ایجاد هسته های پارتیزانی و تکامل آنها را به ارتش پارتیزانی نشان میدهد، نشان میدهد که برای جنگ پارتیزانی باید همواره شرایط طبیعی و اجتماعی را در نظر گرفت و بر اساس آنها ارتش پارتیزانی را سازمان داد و توت بیت کرد. تاکید میکند که قبل از آغاز عمل مسلحانه باید وضع آبادت سنجید و پس از اتخاذ تصمیم با قاطعیت به عمل پرداخت اما در عین حال متذکر میشود که "پس از آغاز جنگ همه چیز ثابت و تغییر ناپذیر نمی ماند و همه چیز گذرا و تحول پذیر است" همین امر ایجاد میکند که هرگونه قبول، قاعده، تصمیم قطعی و تصور قبلی آنچنان تغییر پذیرد که در انطباق با اوضاع و احوال باشد. و ... البته برای آنکه جنگ پارتیزانی را آمیخت باید در آن شرکت چیست ولی قوانین و اصول آنرا نیز باید فرا گرفت از این لحاظ مطالعه این اثر برای پیوندگان جنگ انقلابی آموزش گرانبهائی است.

سازمان ما در سال پیش به ترجمه اثر رفیق محمد شیخو که از فرماندهان آموخته و رهبر جنگ پارتیزانی است دست زد. متأسفانه بعلمت مشکلات مادی که گریبانگیر سازمان ما است، چاپ و انتشار آن تاکنون به تعویق افتاد. اکنون که این اثر انتشار یافته است ما همه عناصر انقلابی را به مطالعه آن دعوت میکنیم و امیدواریم که خوانندگان بهر وسیله ای که برای آنها ممکن است آنرا در اختیار رزمندگان قهرمان ایران قرار دهند.

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

## پیروزی باد مبارزه دلیرانه خلق های هند و چین

### تورکیه درباره نبردهای اجتماعی

با آنکه قریب پنجاه سال از انقلاب ملی ضد امپریالیستی ترکیه میگذرد هنوز کشور عسایه ماکسوری نیمه فئودالی و وابسته به امپریالیسم است. زیرا که انقلاب مذکور نه برهبری طبقه کارگر بلکه برهبری بورژوازی ملی انجام گرفت و این بورژوازی که با وحشت زدی تمام به سرکوب نمودهای زحمتکش و اقلیت های ملی پرداخت روز بروز بیشتر به امپریالیسم نزدیک شد و یسوغ استعمار نوین را گردن نهاد.

استالین در ۱۹۲۷ در مصاحبه با دانشجویان دانشگاه مونیخ در مورد انقلاب مصطفی کمال در ترکیه چنین گفت: "انقلاب کمالی در ترکیه عبارتست از انقلاب از بالا بوسیله بورژوازی ملی تجاری، انقلابی که در مبارزه با امپریالیست های بیگانه بظهور رسیده و در تکامل بعدی خویش ما مهتا بر ضد دهقانان و کارگران، بر ضد کلیه امکانات انقلاب ارضی است".

این سخن را بهیانه استالین تحققی یافت و دولت جدید ترکیه که برخی از فرم های سطحی بورژوازی قناعت ورزید در دشمنی با توده های خلق تا آنجا پیش رفت که با تکیه بر فاشیسم جهانی بصورت یکی از پایگاههای ارتجاع در خاور میانه درآمد. در دوران جنگ دوم جهانی، اگرچه دولت ترکیه ظاهراً بطرف مانده ولی باطناً دستیار کمال هیتلری بود و پس از آنکه رژیم نازی از پای درآمد خود را بدین زانده ام جدید جهانی یعنی امپریالیسم آمریکا افکند. در ۱۹۵۰ اگرچه احزاب و کنگاه ترکیه جا عرض کردند و حزب دموکرات بجای حزب جمهورخواه خلق زمام حکومت را در دست گرفت ما مهت رژیم ترکیه دست نخورد همانند امامرض این پنجاه سال و بویژه بحر آن جنگ دو وجهی در آرایش نیروهای انقلابی در ترکیه تغییرات مهمی روی داد:

طبقه کارگر از لحاظ کمی و کیفی رشد کرد و بعد از مبارزه دم گذاشت، نهضت دهقانی اوج گرفت و خرده بورژوازی شهری رو به جنبش آورد. اقلیت های ملی و بویژه اقلیت بزرگ کرد که زخم های شدید از حکومت کمالی برداشته بودند دوباره برای احراز حقوق ملی خویش سر بلند کردند. شرایط انقلابی جهان و خاور میانه نیز عامل بسیار مساعدی برای رشد نیروهای انقلابی بود. در ۱۹۶۰ دولت مند رس در اثر تظاهرات عظیم تودهای ساقت شد و عملیات انقلابی توده ها تا بدان حد اوج گرفت که هیئت حاکمه ترکیه برای تسکین خلق به اعدام مند رس دست زد و قانون اساسی جدیدی تنظیم کرد که آزادی های دموکراتیک را برسمیت می شناخت و پنده رفم هائی بسود خلق میدهد. "قانون اساسی ۱۹۶۱ که پس از یک فراند م بوسیله مجلس موسسان بتصویب رسید تا اندازه محدودی دارای جنبه ترفی بود" (آیدین لیک - ارگان مرکزی مارکسیست - لنینیست های ترکیه شماره ۴ صفحه ۳۵). از این بیعد نهضت کارگران و دهقانان مرحله جدیدی از تکامل کام گذاشت. اقتصادیات و تظاهرات کارگری رو با افزایش و گسترش نهاد، شورش های دهقانان و اخذ زمین های مالکان و مقابله با قوای دولتی روز بروز بیشتر توسعه یافت و علی رغم خیانت روز بروز بیشتر، همواره پیروزی بخش مارکسیسم لنینسیم و اندیشه ماتوزسه دون در میان انقلابیون نفوذ کرد و نیروی جدیدی به آنها بخشید. کاملاً آشکار بود که هیئت حاکمه ترکیه دیگر نمیتواند آزادی های دموکراتیک را که قانون اساسی ۱۹۶۱ مقرر داشته بود تحمل کند. پسوی برای نجات خود به کودتای مارس ۱۹۷۱ دست زد و حکومت فاشیستی اربم را سرکار آورد. در عین حال باید گفت که جناحی از هیئت حاکمه ترکیه و امپریالیست های امریکائی حس میکنند که اگر رژیم اقتصاد و اجتماعی ترکیه را همچنان دست نخورده بگذارند باید انتظار فرا رسیدن سریع انقلاب توده های باشند. از این جهت بیشتر جلوتری از انقلاب توده های و نقای افکنی در نیروهای انقلابی به نوبی فرم ارضی تمایل پیدا کرده اند. ولی وابستگی آنها به نظام کهن و ترس آنها از توده ها بیشتر از آن است که در این امر جسارت نشان دهند. وضع بقیه در ص ۳

## پیروزیهای جدید جنگ توده ای در ویتنام

بدان منظور انجام گرفته و میگرد که دهقانان و سایر زحمتکشان به اردوگاههای خاص روی آورند و به "سرفرو آوردن به اراده" آمریکا مجبور گردند. حتی گزارش بین المللی کنگره آمریکا در ژوئن ۱۹۷۱ حاکی است که از آغاز ۱۹۶۸ تا مه ۱۹۷۱ در ویتنام جنوبی ۶۶۹۸۲ نفر دستگیر و ۲۰۸۵۷ نفر کشته شده اند. هم اکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر مبین پرست و تناسلی در زندان های حکومت پوتالی سایگون بسر میبرند.

اما اینهمه جنایات در برابر عظمت نیروی معنوی خلقی ویتنام بصورت تشبیهات عاجزانه درآمد و سیاست "استقرار آراش" روز بروز بیشتر به واکنش طغیان توده ها تاجید و اراده آنها را در مقاومت جانبا نازانه در برابر امپریالیسم آمریکا و دستند نشانده گانش بیش از پیش آبدیده ساخت. همانطور که "کتاب سفید" میگوید: دولت آمریکا عقیده داشت که "استقرار آراش" آخرین نیردی است که هرکس در آن پیروز شود در جنگ پیروز خواهد شد. و بدون تردید خلق ویتنام جنوبی و دولت یوقت توده ای ویتنام جنوبی در این نبرد پیروز شده و "استقرار آراش" را با شکست کامل روبرو ساخته اند.

شکست دومین قسمت از نقشه "ویتنامی کردن" مرصعت های جنگ بظهور رسید. دولت نیکسون بی پنداشت کف لاری های او و تسلیحات آخرین سیستم او، بمباران های وحشیانه هوایی او در ویتنام جنوبی و شمالی و مداخلات دیگر نظامی او خواهند توانست ارتش یک میلیون نفری سایگون را بر سرکوب خلق ویتنام قادر گردانند. ولی جریان دوماهه اخیر جنگ ویتنام جنوبی بر این پندار پشت باز زد و در میان هلهله و تحسین خلق های جهان پوشالی بودن دولت دست نشانده سایگون ناتوانی و ناچیزی او را نشان داد. اگر در پایان ۱۹۶۱ فقط هواپیما های آمریکا در هندوچین در حدود ۳۵۰ بود در طی دو ماه اخیر به ۱۰۰۰ رسید که ۱۳۰ هواپیما بمب افکن عظیم ۵۲ در شمار آنند و این هواپیماها چنان توفانی از بمباران در ویتنام جنوبی بر پا کردند که در طول تاریخ بینظیر است. هسانوی پایتخت جمهوری دموکراتیک ویتنام و بندر شهرهای فسونگ و بسیاری دیگر از نقاط ویتنام شمالی را نیز به باد بمباران گرفتند. اما حملات بقیه در ص ۳

امپریالیسم آمریکا سیاست "ویتنامی کردن" جنگ را بدین منظور اتخاذ کرد که به جنگ تجار کارانه خویش در هندوچین رنگ جدیدی بزند. وی در عین حال که بازی "تقلیل نیروهای آمریکا در ویتنام" را ادامه میداد، دولت پوتالی سایگون را با کمک های بیشمار سیاسی، اقتصادی، فنی و نظامی تقویت کرده قدرت جنگی عموائی و دریائی عظیمی در پیشینانی ارضیای نظامی وی بکار انداخت، نقشه "اخریمانه" "استقرار آراش" را در ویتنام جنوبی مرحله عمل در آورد، تعد اد ارتش پوتالی جنوبی را تا یک میلیون بالا برد، تا آنکه ویتنامیان را بدست ویتنامیان سرکوب کند، دولت انقلابی موقت جمهوری ویتنام جنوبی را براندازد و تجاوز جمهوری دموکراتیک ویتنام و سایر دول هندوچین را ادامه و توسعه دهد.

نخستین قسمت نقشه که با ناگهی و شکست روبرو شد "استقرار آراش" بود. امپریالیسم آمریکا بکمک سرمایهان خود و دولت پوتالی سایگون میلیون ها نفر از دهقانان و سائسینی زحمتکشان ویتنام جنوبی را از زاد و بود خویش به "دهکده ها" خاص کوچ داد تا از ارتباط آنها با ارتش نجات بخش ویتنام جنوبی جلوگیری و باین وسیله ریشه انقلاب را بکند. در "کتاب سفیدی" که از طرف دولت موقت جمهوری ویتنام جنوبی انتشار یافته است در باره "استقرار آراش" چنین میخوانیم: "دشمن از تانک، زره پوش، و بولدزهای سنگین ۲۰ تنسی استفاده میکند تا دهکده ها را با خاک یکسان گرداند. برای از بین بردن کلبه های حصیری از شعله افکن ها و از حریق استفاده میکند و برای تخریب خانه های گلی و آجری و بناهای تحکیم شده از مین، دهکده ها بکی پس از دیگری نابود میشود. و آنگاه که این عملیات انجام گرفت توده ارتش پوشالی و "استقرار آراش" که بوسیله اداره جاسوسی آمریکا ترویج شده اند فرامیرسد و ده ها و ده ها سونگ (دهکده) ای که فجاجی امریکائیان و کشتارهای دشمنانه آنان در آنجا فاش شد) بوجود میآید. بیوجب استادی که هنوز تا کامل است در طی سه سال "استقرار آراش" در ویتنام جنوبی بیش از ۳۰ ده و دهکده یعنی ۲۶ درصد از مجموع نجات و دهکده ها و ویتنام جنوبی خسارات سنگین دیده اند. تمام این جنایات

بنسبیت انتشار جزوه "تجربه جنگ آزادی بخش ملی"

## اصول و قوانین جنگ انقلابی

هاریا بسج کرد، متشکل ساخت، در صفوف ارتش انقلابی گرد آید و جنگ توده ای را رهبری کرد. سازمان ما، آنطور که از فرائض بر میآید بگانه سازمانی است که به تقدم حزب بر مبارزه مسلح معتقد است، سازمانهای دیگری که خود را پیرو مارکسیسم - لنینسیم نیز میدانند برعکس آنند که حزب باید از درون مبارزه مسلح بیرون آید و بنا بر این شروع این مبارزه و حتی گسترش آن، نیازی به حزب طبقه کارگر ندارد و مبارزه مسلح بقیه در ص ۳

راه انقلاب ایران، راه مبارزه مسلح، راه جنگ توده ای انقلابی است. این حکمی است که سازمان ما در آغاز پیدایش اشاعه آنرا وظیفه خود قرار داده و با سرسختی از آن دفاع کرده است. اگر روزی بنیست های حزب توده ایران را کنار بگذاریم همه سا زمانهای سیاسی در خارج از کشور و همه گروههای رزنتی در درون کشور در این امر که انقلاب ایران از جنگ توده ای میگذرد متفق الرای اند. اما از این حکم گلی که بگذریم که خود از واقعیت رژیم کونی ایران برمیخیزد، میان سازمان ما و سازمانها و گروههای دیگر اختلاف نظر وجود دارد.

نخستین اختلاف نظر در ضرورت وجود حزب سیاسی بروز میکند. ما برآنیم که جنگ توده ای، حتی در آغاز و در مراحل اولیه آن باید تحت رهبری حزب سیاسی و بنظر ما تحت رهبری حزب طبقه کارگر باشد. بدون رهبری حزب مبارزه مسلح حل بفرض آنکه بتوان با دست گروههای آنرا آغاز کرد، هرگز از راه اولیه فراتر نخواهد رفت و جنگ انقلابی توده تبدیل نخواهد شد. تکامل مبارزه مسلح به ارتش انقلابی و جنگ توده ای پیروز این جنگ وابسته به رهبری حزب سیاسی و بویژه حزب طبقه کارگراست. از اینرو برای مارکسیست - لنینیست ها احیاء حزب طبقه کارگر باید نخستین گام در مبارزه و مقدم بر مبارزه مسلح باشد. البته ما میان احیاء حزب با ساختن و پیوند خرت با توده ها فرق میکند اربم، ساختن حزب و پیوند با توده ها به دنبال احیاء حزب میآید و جریان آن پایان ناپذیر است. آنچه در حال حاضر ضرورت دارد احیاء حزب طبقه کارگر در عرصه ایران است تا از طریق آن بتوان مبارزه مسلح را سازمان داد، توده

### نشریات اخیر توفان

- ۱- "تجربه جنگ آزادی بخش ملی" نوشته رفیق محمد شیخو عضو دفتر سیاسی حزب کارآلبانی و رئیس شورای وزیران جمهوری تودهای آلبانی، در بیان قوانین جنگ پارتیزانی چگونه پیدایش و تکامل ارتش پارتیزانی.
- بها: معادل ۴۰ ریال
- ۲- "سوسیال امپریالیسم" در بیان اینکه چرا و چگونه سرمایه داری در اتحاد شوروی احیاء شده و کشور مذکور سوسیال امپریالیست است.
- بها: معادل ۴۰ ریال
- ۳- "جهان نوین در آلبانی" در بیان مشاهدات هیئت نمایندگان سازمان توفان در زمینه پیروزیهای درخشان آیدو- لوزیک، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در جمهوری تودهای آلبانی.
- بها: معادل ۴۰ ریال

## پیروز باد جنگ توده ای خلق فلسطین